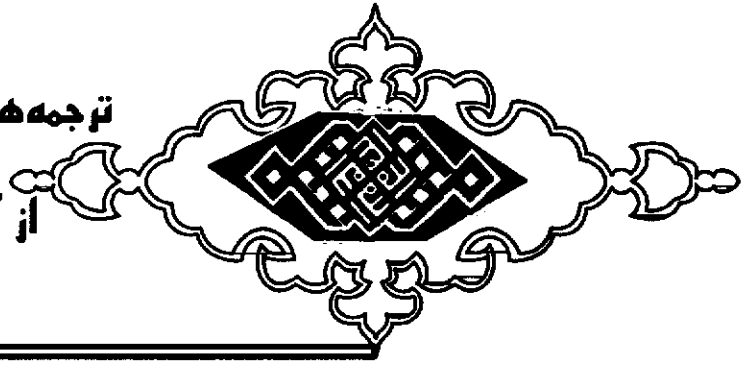


ترجمه‌های معاصر و امروزی قرآن کریم

از "الهی قمشاهی" تا "خرمشاهی"



بی بی سادات رضی بهابادی - مدرّس

افتادگی‌ها، نقص ویرایش و اجمالها و تفصیلهای^۱.

۲- ترجمه عبدالحسین آیتی (چاپ اول: ۱۳۲۴ هـ ش)

ترجمه وی تحت عنوان "کتاب نبی" در سه جلد منتشر شده است. نُسبی به معنای قرآن و مصحف می‌باشد.

مترجم که قصد داشته تقریباً ترجمه‌ای سهل و آسان از قرآن کریم داشته باشد تا اواسط جزء سوم فقط به آوردن ترجمه و تفسیری مختصر از قرآن کریم، بدون ذکر متن آیه اکتفا کرده و از آن به بعد آیات را نیز بدون اعراب گذاری آورده

۱) حسین استاد ولی از اختلاف نسخه‌های این ترجمه به این نتیجه رسیده است که ترجمه مرحوم الهی دستکاری شده است و در برخی تصحیح و در برخی تحریف صورت گرفته است. (بینات، ویژه پژوهشهای قرآنی، فصلنامه مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۴، ص ۱۵۲)

۲) خرمشاهی- بهاء الدین: قرآن پژوهی. انتشارات مشرق

۳) بینات، شماره ۸، ص ۵۲، ۱۵۰

جداگانه به چاپ رسیده است.

ترجمه ایشان جایگاه ویژه‌ای در میان مردم داشته که نتیجه اخلاص و عرفان این مرد بزرگ می‌باشد. روانی، سلاست و توضیحات کوتاه تفسیری از ویژگیهای مثبت این ترجمه است.

بر این ترجمه نقدهایی نوشته شده است:

الف- نقد مرحوم "پاینده" که در مقدمه ترجمه خود تا حدی به آن پرداخته است.

ب- نقد مختصری از "سید عبدالوهاب طالقانی" منحصر به ده آیه که نویسنده از مجموع یادداشت‌های خود گزینش کرده است.

ج- نقد "بهاء الدین خرمشاهی" که شامل بیست جزء از قرآن کریم می‌شود و در آن به صد و ده نکته انتقادی اشاره شده است.^۲

د- "حسین استاد ولی" که به ویرایش کامل این ترجمه مشغول است در گزارش خود از ویرایش جدید این ترجمه به ویژگیهای منفی آن چنین اشاره کرده است: بی دقتی و سرسری کار کردن، ضعف ادبی، آمیختگی متن و شرح، نقل به معنا،

ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی با پیشینه‌ای بسیار کهن، بخش عظیمی از آثار مدون و مکتوب فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهد.

نوشتار حاضر تحقیقی است در جهت معرفی ترجمه‌های فارسی معاصر و امروزی قرآن کریم از "الهی قمشاهی" تا "خرمشاهی" که در طی آن بیست و پنج ترجمه منتشر شده به ترتیب تاریخ اولین چاپ معرفی شده است. این ترجمه‌ها که در بین سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۷۴ هـ ش منتشر شده، عبارت است از:

۱- ترجمه محی الدین مهدی الهی قمشاهی (چاپ اول: ۱۳۲۳ هـ ش)

این ترجمه به دو صورت چاپ شده است؛ یکی در صفحات روبروی مصحف و دیگر در ذیل آیات و تاکنون دهها بار در قطع‌های گوناگون از سوی ناشران مختلف به چاپ رسیده است.^۱ فرزند ایشان، حسین الهی قمشاهی، محمد باقر بهبودی و حسن مسعودی اصلاحاتی در این ترجمه به عمل آورده‌اند که بصورت

است. در آغاز هر سوره به معنای آن و
 احياناً اگر حروف مقطعه باشد به معنای
 این حروف اشاره کرده است. توضیحات
 و تفسیرها را در پاورقی و یا با قید تذکره
 از ترجمه جدا کرده است. این ترجمه با
 تقریظ "الحاج سید محمد علی بن علی
 المبارکی الاصفهانی" به طبع رسیده
 است.^۱

۳- ترجمه ابوالقاسم پاینده (تاریخ

مقدمه: ۱۳۳۶ ه.ش)

در این ترجمه، متن و ترجمه در دو
 ستون کنار هم قرار گرفته است که در
 صفحات زوج، ستون سمت راست، متن
 و ستون سمت چپ، ترجمه قرار گرفته و
 در صفحات فرد برعکس است.

مترجم در مقدمه خود مباحثی چون
 موقعیت مکه، تاریخ اسلام، مباحث علوم
 قرآن (کیفیت نزول وحی، اعجاز قرآن،
 معنای آیه و سوره، سور مکی و مدنی و
 ضوابط آن، کاتبان وحی و...) و مشکلات
 ترجمه قرآن را مطرح کرده است.

وی پس از ذکر اشکالاتی چند از یک
 ترجمه قرآن می نویسد: "در ترجمه حاضر
 بنای کار من این بود که از معنای قرآن آنچه
 را عرب عادی دریافت تواند کرد به فارسی
 بیاورم. برای این منظور کلمه‌ها را به
 معادل فارسی آن برگردانیده و آنگاه
 کلمه‌های فارسی را که از این کار به دست
 آمده در قالب جمله‌های فارسی ریختم
 مگر درباره مجازها که این کار میسر نبود؛
 بنابراین با اطمینان توانم گفت که این
 ترجمه با تمام دقت‌های ممکن، یک ترجمه
 تحت اللفظی است و مثل سایرین از

مترجمان به نقل مفهوم و الحاق عبارت
 اضافی دست نزده‌ام فقط در بعضی از
 موارد به اقتضای ضرورت کلام، یک و
 گاهی دو کلمه بر جمله‌ای افزوده‌ام که آن را
 نیز میان دو هلال نهاده‌ام که مشخص
 باشد.^۲

وی در ترجمه خود به قرائتهای
 مختلف قرآن نظر داشته است.

نقد و نظر:

"علامه فرزاد" در سلسله مقالات
 نقدی خود در مجله یغما بر ترجمه
 مرحوم پاینده چهارصد مورد ایراد را بیان
 کرده که در مجموعه مقالات فرزاد نیز به
 چاپ رسیده است.

نقد کوتاه و منفی "شهید مطهری" و
 نیز چندین نکته انتقادی از "غلامرضا
 طاهر" نیز در مجله یغما به چاپ رسید.^۳
 در نقد عالمانه علامه "فرزان"
 ویژگیهای منفی این ترجمه در سه فصل
 آمده است:^۴

الف- فصل اول راجع به کلمات و
 عبارات و احياناً آیاتی است که از قلم
 افتاده است. وی در این فصل ۱۸۲ مورد را
 برمی‌شمرد.

ب- در فصل دوم نیز منحصراً از
 غفلت‌ها و سهو القلم‌هایی بحث می‌شود
 که تشخیص و تصدیق آن محتاج به
 تحقیق و تدقیق نیست. وی در این فصل
 صد مورد را ذکر می‌کند.

ج- در سومین فصل از اغلاط و
 اشتباهات دیگری یاد می‌شود که در عین
 سادگی و وضوح نسبت به مندرجات دو
 فصل قبل کمی پوشیده و پیچیده به نظر

می‌آید و غالب آن هم ناشی از غفلت در
 قواعد نحوی و ترکیبی کلام عرب است.
 در این فصل به پاره‌ای از اغلاط و
 اشتباهات لغوی هم اشاره می‌شود.

۴- ترجمه محمد کاظم معزی

(چاپ اول: ۱۳۳۷ ه.ش)

این ترجمه در عین تحت اللفظی
 بودن، ترجمه‌ای است ساده به فارسی سره
 با نثری روان و شیوا و مواردی توضیحی
 و تفسیری که داخل پرانتز قرار گرفته است.
 خرمشاهی این ترجمه را آخرین
 ترجمه تحت اللفظی مهم و معنی دار قرآن
 کریم می‌داند که به سبک و سیاق هزار
 ساله ترجمه تحت اللفظی قرآن کریم در
 زبان فارسی حسن ختام می‌بخشد.^۵

۵- ترجمه عباس مصباح زاده

(چاپ اول: ۱۳۳۷ ه.ش)

این ترجمه تحت اللفظی و بصورت

(۱) صحیفه مبین، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره

۵، بهار ۱۳۷۵، مقاله کتابشناسی ترجمه‌های

فارسی قرآن کریم، ص ۶۱

(۲) قرآن مجید، ترجمه پاینده- ابوالقاسم،

سازمان انتشارات جاویدان (بی تا)، مقدمه (ل

له)

(۳) قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه،

خرمشاهی- بهاء‌الدین، انتشارات نیلوفر- جامی،

۱۳۷۴، ص ۶۲۱

(۴) رک: مقالات فرزاد به اهتمام احمد

اداره جسی گیلانی، انتشارات آبان، ۱۳۵۶، ص

۴۰۹-۳۴۳

(۵) خرمشاهی - بهاء‌الدین: همان منبع، ص ۶۲۱

وی در پایان هر جلد تحت عنوان قرآن در ادب فارسی، اشعاری را ذکر نموده که با توجه به مفاهیم قرآنی سروده شده است.

از ویژگیهای مهم این ترجمه که بر دقت و صحت آن افزوده، چاپ آزمایشی آن است. وی ابتدا ترجمه و تفسیر دو سوره از قرآن را با مقدمه ترجمه چاپ کرده و میان صاحب نظران و علما توزیع نموده است تا نظره‌های انتقادی‌شان را بیان دارند.

همکاران وی در این ترجمه "ابوالحسن شعرانی"، "حکمت آل آقا" و "محمد رحیم معمارپور" بوده‌اند.^۶

نقد و نظر:

آقای "خرمشاهی" این ترجمه را بسیار شیوا و کم غلط می‌داند و پس از شمردن محاسن این ترجمه می‌نویسد: "عیب این ترجمه آن بود که با حمایت دربار انتشار یافته بود لذا هنوز که هنوز است و با آنکه ارزش علمی آن مسلم است، در سالهای پس از انقلاب تجدید چاپ نشده است."

(۱) صحیفه مبین، شماره ۵، ص ۶۷

(۲) این مترجم گرایشهای وهابی و سلفی داشته است.

(۳) صحیفه مبین، شماره ۵، ص ۶۲

(۴) عمادزاده - حسین: قرآن کریم با ترجمه فارسی و تجوید، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۴۱

(۵) رهنما، زین العابدین: قرآن مجید با ترجمه و جمع آوری تفسیر، انتشارات کیهان، ۱۳۵۴

(۶) همان منبع، ج ۲، ص ۱۱

این ترجمه مشتمل بر چهار جلد است؛ جلد اول از فاتحه‌الکتاب تا آخر سوره اعراف، جلد دوم از سوره انفال تا پایان سوره حج، جلد سوم از آغاز سوره مؤمنون تا پایان سوره فصلت و جلد چهارم از آغاز سوره شوری تا آخر قرآن را در بردارد.

مترجم در مقدمه جلد اول پس از ذکر نقایص ترجمه‌های موجود، تحت عنوان "من چگونه ترجمه و تفسیری می‌خواستم" می‌نویسد: "می‌خواستم ترجمه قرآن کریم ترجمه تحت اللفظی غیر قابل فهم نباشد و در عین حال می‌خواستم صرفاً ترجمه به معنا هم نباشد که قاب و قالب نورانی کلام خدا و طرز آیه‌های درخشان با آن سبک مخصوص و بسیار درخشنده‌ای که دارد در عبارات و جملات فارسی از میان رفته باشد."

وی می‌نویسد: "هرجا که ناچار به ترجمه به معنا شدم، ترجمه تحت اللفظی آیه را در زیر نویس‌های صفحه نوشتم و هرجا هم که برای بیان و فهم مطالب در قالب فارسی ناگزیر به افزودن کلمه‌ای بر ترجمه شدم، آن کلمه را میان دو هلال قرار دادم تا از متن جدا گردد."^۵

مترجم در مقدمه به مباحثی از علوم و تاریخ قرآن پرداخته است. وی برای هر سوره مقدمه‌ای نوشته و کلیاتی راجع به سوره و بخشهای هر سوره مطرح کرده و در ترجمه نیز بخشهای مختلف سوره‌ها را مشخص نموده است. همچنین در این قسمت به شأن نزولها و مطالب مشابه آن در تورات و انجیل نظر داشته است.

زیرنویس است. هفت تن از فضلاء حوزه علمیه قم آن را تأیید کرده‌اند. توضیحات تفسیری، ثواب القرائه و فضل القرائه در حواشی ذکر شده است.^۱

۶- ترجمه سید ابوالفضل برقی^۲

(پایان ترجمه: ۱۳۳۹ هـ ش)

این ترجمه تحت عنوان "تابشی از قرآن" منتشر شده و در مقدمه آن از کاتبان قرآن، قابل فهم بودن قرآن برای همه، عدم نیاز قرآن به تفسیر، قائلین به تحریف، متشابهات، خیانت در ترجمه قرآن و... سخن رفته است.^۳

۷- ترجمه حسین عمادزاده (چاپ

اول، ۱۳۴۱ هـ ش)

مترجم، مقدمه‌ای در تاریخ و علوم قرآن دارد. وی در مورد این ترجمه می‌نویسد: "غرض اصلی بیان مطلب بود نه ترجمه لفظی و نه تأویل و نه تفسیر مختلف؛ لذا هر کجا مطلب پیچیده به نظر می‌رسید به دو یا سه عبارت، مطلب را در قالب الفاظ فارسی ریختم و قطعی‌ترین نظریه مفسرین را که مورد اتفاق تفاسیر فریقین است مانند "مجمع البیان" و "صافی" اقتباس نموده، می‌نگاشتم و گاه یک آیه به چند عبارت ترجمه شده است." از خصوصیات این ترجمه ذکر وجه تسمیه و مطالب و محتوای هر سوره قبل از شروع ترجمه، بیان اسباب نزول و ثواب قرائت می‌باشد.^۴

۸- ترجمه زین العابدین رهنما

(چاپ اول: ۱۳۴۶ هـ ش)

وی می‌افزاید: "بر ترجمه شادروان رهنما از آن جهت نقد ننوشته‌ام که به میزان زیادی بی اشکال است."^۱

۹- ترجمه علی نقی فیض الاسلام

(پایان ترجمه: ۱۳۴۷ ه.ش)

این ترجمه تحت عنوان "قرآن عظیم با ترجمه و خلاصه تفاسیر" در سه جلد منتشر شده است که متن قرآن در بالای صفحه و ترجمه آن در پایین صفحه آمده است و جلد اول از "فاتحة الكتاب" تا آخر سوره "توبه"، جلد دوم از سوره "یونس" تا "عنکبوت" و جلد سوم از سوره "روم" تا آخر قرآن را در بر دارد.

مترجم بیش از چهارده سال از عمر خود را صرف تألیف این ترجمه نیز نموده است.^۲ وی توضیحی راجع به شیوه ترجمه خود نمی‌دهد.

۱۰- ترجمه رضا سراج (چاپ اول):

(۱۳۴۹ ه.ش)

این ترجمه در ذیل آیات آمده است. مترجم مقدمه‌ای در توصیف و اوصاف قرآن دارد. در آخر ترجمه نیز چنین می‌نویسد: "بدیهی است که ترجمه و تفسیر ساده و روان آیات قرآن کریم، آن هم با محدودیتی که لازمه ترجمه سطر به سطر قرآن می‌باشد، کاری بس دشوار است. نگارنده تا آنجا که مقدور بوده و سطر گنجایش داشته و ضرورت اقتضا کرده، به این امر توجه کرده است."^۳

۱۱- ترجمه محمود یاسری (چاپ اول: ۱۳۵۲)

ترجمه یاسری، تحت عنوان قرآن مجید و بهترین ترجمه فارسی مسمی به "خلاصه التفاسیر" به چاپ رسیده است. که صفحه ترجمه روبروی صفحه متن قرار دارد.

۱۲- ترجمه حکمت آل آقا^۴

(چاپ اول: ۱۳۵۳ ه.ش)

در این ترجمه، صفحه سمت راست به متن قرآن و صفحه سمت چپ به ترجمه اختصاص یافته است.

مترجم در پایان ترجمه چنین توضیح می‌دهد: "تا آنجا که توان داشته‌ام، کوشیده‌ام که با حفظ امانت در این ودیعه الهی، روال عبارات، فارسی و قابل فهم باشد بدین جهت جای معانی کلمات گاهی پس و پیش شده است و باید می‌شد."

وی در مورد آیات و کلماتی که معانی مختلف دارند، نوشته است: "در بسیاری از موارد آنچه ظاهرتر بوده برگزیده شده و در بعضی از موارد معنای دیگری از کلمه یا جمله یا وجه دیگر آن در پراکنش گذاشته شده است... در میان این معانی تا آنجا که می‌سور بوده از مأخذ قدیمتر استفاده شده و تعبیر عربی در عصر نزول قرآن در نظر گرفته شده است."^۵

وی توضیحی نیز راجع به ترجمه خود از "بسم الله الرحمن الرحيم" دارد.^۶

۱۳- ترجمه داریوش شاهین

(چاپ اول: ۱۳۵۹ ه.ش)

ترجمه وی تحت عنوان "سخنان خدا یا قرآن کریم" در دو جلد منتشر شده است.

در مقدمه، از روش این ترجمه و منابع و مأخذ تفسیری آن یاد شده و سپس شمه‌ای از تاریخ زندگی حضرت رسول ﷺ آورده شده است.

در انتهای هر سوره در بخش هامش، توضیح نامها و مکانهای ویژه و واژه‌های چند مفهومی و ترجمه‌های دیگر آمده است.

در پایان ترجمه (پیوستها)، ترتیب نزول سوره‌ها، مفاهیم و ویژگیهای عمومی قرآن و گزیده‌هایی از احکام قضایی و شرعی قرآن مجید آمده است.^۷

۱۴- ترجمه عبدالمجید صادق

نوبری (چاپ اول: ۱۳۶۲ ه.ش)

این اثر ترجمه‌ای است از تفسیر "کشف الحقایق عن نکت الایات و

(۱) خرمشاهی - بهاءالدین: قرآن پژوهی، ص

۷۰۹

(۲) فیض الاسلام: قرآن عظیم با ترجمه و

خلاصه تفاسیر، نشر مهر آیین، (بی‌تا)

(۳) سراج- رضا: قرآن مجید با ترجمه و تفسیر،

(بی‌تا)

(۴) آل آقا - حکمت: مترجم از سال ۱۳۲۱ معانی

پارسی قرآن را برای برنامه صحیح‌گامی رادیو تهیه

می‌کرده که این کار دوازده سال به طول انجامیده

است و پس از آن برنامه مذهبی تفسیر قرآن

مجید در روزهای دوشنبه را به عهده داشته

است.

(۵) آل آقا- حکمت: قرآن کریم با معنای فارسی،

انتشارات اقبال

(۶) همان منبع

(۷) صحیفه مبین، شماره ۵، ص ۶۵

نقد و نظرها:

این ترجمه با نقد و نظرهای ذیل مواجه شده است:

- الف- نقدی در ضمن نقد ترجمه‌های دیگر نوشته محققان دارالقرآن آیت‌الله گلپایگانی در نشریه کیهان اندیشه
- ب- نقدی از رضا رضایی تحت عنوان نگاهی به ترجمه قرآن استاد جلال الدین فارسی در فصلنامه پژوهشهای قرآنی^۶
- ج- نقد بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب قرآن پژوهشی که کمتر از نیمی از ترجمه را بررسی کرده و پنجاه و یک مورد از اشتباهات آن را برمی‌شمرد.^۷

۱۷- ترجمه محمد خواجوی

(چاپ اول: ۱۳۶۹ هـ ش)

در این اثر که توسط انتشارات مولی به چاپ رسیده است. پس از ترجمه قرآن در ۲۵۰ صفحه، ۱۱۶ صفحه، شأن نزول آیات و مبهمات قرآن آمده است. مقدمه این ترجمه که خود کتابی مستقل در زمینه قرآن شناسی است، تحت

کتاب سیر بی سلوک و قرآن پژوهی؛ ناقد ۸۸ یادداشت انتقادی به مترجم ارائه کرده که ایشان ۶۱ نکته را پذیرفته و اصلاح نموده است.

خرمشاهی درباره این ترجمه می‌نویسد: "با آنکه ترجمه آقای آیتی از تمامی ترجمه‌های یک قرن اخیر شیواتر و زیباتر و حتی دقیقتر است اما آن دقت آرمانی و صد در صد را فاقد است و عیار و درصد دقتش به برآورد من ۸۰ تا ۸۵ درصد از صد درصد آرمانی است."^۴

۱۶- ترجمه جلال الدین فارسی:

(چاپ اول: ۱۳۶۹ هـ ش)

ترجمه آیات در صفحات روبروی متن مصحف آمده است.

مترجم در قسمتی با عنوان "درباره این مصحف شریف" به منابع مورد استفاده خود در تشخیص شماره آیات و سوره، تقسیم اجزا و احزاب و مشخص نمودن سوره‌های مکی و مدنی اشاره می‌کند.

وی در مقدمه به قواعدی که باید در فن ترجمه قرآن رعایت شود اشاره می‌نماید؛ از جمله:

الف- نقل مفهوم و مقصود با رسایی و شیوایی و زیبایی بدانگونه که اگر قرآن می‌خواست به زبان قوم ایرانی فرود آید، نزدیک به آن بود.

ب- حفظ ترکیب و جمله‌بندی خاص زبان فارسی.

ج- نکاستن از کلمات آیه و نیفزودن بر آن به قدر امکان مگر آنکه زبان فارسی خود اقتضای آن کند که کلمه‌ای یا بیش برای رساندن معنا افزوده شود.^۵

الدقایق "نوشته" میرمحمد کریم موسوی "که نوبری آن را از زبان ترکی استانبولی به فارسی برگردانده است."^۱

۱۵- ترجمه عبدالمحمد آیتی

(چاپ اول: ۱۳۶۷ هـ ش)

این ترجمه در ۶۰۶ صفحه توسط انتشارات سروش چاپ شده است. ترجمه آیات در صفحه روبروی متن قرآن آمده است. مترجم بر خلاف سایرین در ابتدا یا انتهای ترجمه‌اش توضیحی راجع به شیوه کار خود نداده است. وی در مصاحبه‌ای با کیهان فرهنگی چنین می‌گوید: "بندۀ در ترجمه خود سعی کرده‌ام چیزی بر متن نیفزایم. ترجمه تفسیری نیست، ترجمه متن است. واژه‌های نامأنوس ساختگی مانند خرددری در آن نیامده و کوشیده‌ام از لغات مبتذل و پیش پا افتاده خالی باشد. ... در موارد اختلاف تفاسیر سعی کرده‌ام شیخ طوسی را حکم قرار دهم و به تفسیر تبیان مراجعه کنم."^۲

نقد و نظر:

نقدهایی که بر این ترجمه نگاشته شده است عبارتند از:

الف- نقد عبدالوهاب طالقانی در نشریه کیهان اندیشه

ب- نقد علیرضا ذکاوتی قراگوزلو در نشر دانش

ج، د- دو نقد و معرفی در نشریه مترجم

ه- مقاله سید حیدر علوی نژاد تحت عنوان نگرشی به ترجمه قرآن استاد آیتی.^۳

و- دو نقد بهاء‌الدین خرمشاهی در دو

- ۱) نوبری - عبدالمجید صادق: قرآن مجید با تفسیر کشف الحقائق عن نکات الایات و الدقائق، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۷۴
- ۲) صحیفه مبین، شماره ۵، ص ۶۱
- ۳) مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۴۹-۶۶
- ۴) خرمشاهی- بهاء‌الدین: همان منبع، ص ۳۴۸
- ۵) القرآن الکریم، ترجمه جلال الدین فارسی، انجام کتاب، ۱۳۶۹، مقدمه
- ۶) پژوهشهای قرآنی، شماره ۱، ص ۳۰۲-۲۹۵
- ۷) خرمشاهی - بهاء‌الدین: همان منبع، ص ۴۳۴-۴۰۲

عنوان مشارق^۱ البیان فی مسائل القرآن شامل یک مقدمه و دوازده مشرق است و هر مشرقی هم به حسب مسائل آن مطلب دارای اشراقاتی چند. عناوین این مشارق دوازده گانه عبارتند از: در معانی وجوه و نظایر در قرآن، در حقیقت قرآن، لوح محفوظ، درباره فهم بطون کلام الهی، در بلاغت قرآن، محکم و متشابه آیات قرآنی، تعریف قرآن از زبان ائمه معصومین (علیهم السلام)، آداب خواننده قرآن، طبقه بندی و نامهای قاریان هفت گانه، معرفی قرآن حاضر، شناخت شأن نزول آیات قرآن و در تاریخ قرآن.

مهمترین ویژگی این ترجمه، بیان وجوه و معانی، شرح و آشکارسازی لغات غریب و مبهم است.

مترجم در اشراق سوم از مشرق نخستین تحت عنوان "در صعوبت ترجمه قرآن" می نویسد: "کار ما در ترجمه مراجعه به ریشه و اصل لغت بوده است یعنی عین آنچه را که یک عربی زبان می فهمد به فارسی برگردانیم جز در مورد مجازها و وجوه و نظایر و غرایب آن که در جای خود توضیح داده ایم.

مبنای ترجمه ما بر وجوه و نظایر و غرایب و مقاصد قرآن بنیان گذارده شده است؛ پس ترجمه ما جز در ابواب یاد شده یک ترجمه تحت اللفظی است بدون کم و زیاد و بر عکس دیگر مترجمان از آوردن مفهوم و عبارات اضافی خودداری کرده ایم و تنها در مواردی که نظم سخن به واسطه حذف و ایجاز و غیره که در قرآن فراوان است - و شیوه سخن الهی اینگونه است، ضرورت پیدا می کرد - گاه یک یا چند کلمه بر ترجمه قرآن در قلاب

افزوده ایم."^۲

نقد و نظر:

بهاء الدین خرمشاهی در مقاله ای ضمن ستایش فراوان از این ترجمه فقط چند نکته را متذکر شده است و آخرین قضاوت خود را چنین اعلام می دارد: "سخن آخر اینکه این ترجمه با حدود، ده هزار پی نوشت ارجاعی کتاب شناختی در پای صفحات و نشان دادن منبع و مستند هر معنا و با هزار فقره ارجاع شأن نزولی در توضیح مبهمات، یکی از شیواترین، جدی ترین، علمی ترین و کم اشکالترین ترجمه های جدید قرآن است و به کار همه قرآن پژوهان یا کسانی که نیاز به ترجمه دقیق و سراسر است و متین و مستند از قرآن کریم دارند، می آید."^۳

۱۸- ترجمه محمد باقر بهبودی

(چاپ اول: ۱۳۶۱ ه.ش)

این ترجمه تحت عنوان "معانی القرآن" توسط نشر خانه آفتاب به چاپ رسیده است.

در این ترجمه متن قرآن در قسمت بالای هر صفحه در دو ستون و ترجمه و تفسیر آن در پایین صفحه آمده است.

مترجم، عناوین سوره ها را با توجه به محتوای آن ترجمه کرده است؛ به عنوان مثال سوره بقره به گاو بنی اسرائیل، ایسمان، انفاق، اخلاص، فرمانهای اجتماعی و یا سوره "روم" به اعلام نصرت، اعجاز طبیعت و... ترجمه شده است.

وی در مورد ترجمه اش چنین می نویسد: "به هر حال ترجمه ای را که

اینک از نظر خوانندگان می گذرانم بعد از چهل سال مطالعه مداوم و مراجعه به تاریخ صحیح و الهام گرفتن از احادیث صحیح اهل بیت به این صورتی که ملاحظه می شود پرداخته ام و تفسیر ساده آن را با ترجمه قرآن هماهنگ و یکزبان آورده ام."^۴

نقدها:

این ترجمه مورد استقبال اهل نظر واقع نشد و نقدهای تندی بر آن نوشته شده است:

الف- نقد حسین استاد ولی در نشریه مترجم تحت عنوان ترجمه ای اسف انگیز از قرآن کریم که مترجم در شماره بعد به نقد محکم و منفی استاد ولی پاسخ داد.^۵
ب- نقد بهاء الدین خرمشاهی در مجله کیان که همین نقد در کتاب قرآن پژوهی نیز چاپ شده است. خرمشاهی با مطالعه ۱۱۴ صفحه از این ترجمه، پنجاه نکته انتقادی را ذکر کرده است.

(۱) مترجم می نویسد: این عنوان، مقتبس از عنوان قصیده فصل الخطاب ملقب به حکمة العارفین و حکمة العلویه است که از فیوضات عارف شهیر و سید قطب الدین محمد تبریزی تبریزی می باشد. رک: "القران الحکیم"، ترجمه محمد خواجوی از جهت وجوه و نظایر و غرایب و مقاصد قرآن همراه با شأن نزول آیات، انتشارات مولی، ۱۴۱۰ ه.ق = ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۱

(۲) همان منبع، ص ۵

(۳) خرمشاهی - بهاء الدین: همان منبع، ص ۴۵۱

(۴) بهبودی - محمد باقر: معانی القرآن، نشر خانه آفتاب، ۱۳۶۹، ص ۶

(۵) نشریه مترجم، شماره ۱۰، تابستان ۷۲

است ولی معتقد به نوشتن فارسی سره که زبانی نامفهوم خواهد بود نیستیم و با آنکه کوشیده‌ایم تا در ترجمه، کلمات فارسی بیاوریم در توضیحات چنین کوششی نکرده‌ایم زیرا بر آنیم که وقتی کلمات برابر در فارسی هست، دلیل و توجیهی ندارد که کلمات عربی را در ترجمه بیاوریم اما این تا جایی است که به فهم کلمات و آیات خلل وارد نشود پس ضرورتی ندارد که اصطلاحاتی مانند ایمان و نفاق را به گرویدن و هزینه کردن ترجمه کنیم مگر در جایی که مراد اصطلاح خاص نیست.

ب - در این ترجمه بیشترین هم‌ما صحت ترجمه بوده است... برای وفاداری به متن بخصوص در باره قرآن کریم بهتر است دقت و صحت، فدای اختصار و زیبایی عبارت نشود.^۵

آقای مجتبی‌ی ضمن معرفی ترجمه خود در مجله بینات خلاصه‌ای از مزایای آن را بر شمرده است.^۶

نقد و نظر:

موسی حسینی در مقاله‌ای تحت عنوان "با ترجمه استاد مجتبی‌ی" نقدی بر این ترجمه نوشته است.^۷ که خلاصه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم:

(۱) پژوهشهای قرآنی، شماره ۱، ص ۲۶۷-۲۹۴

(۲) بهوردی، محمدباقر: همان منبع، ص ۱۰

(۳) خرمشاهی - بهاء‌الدین: همان منبع، ص ۳۸۷

(۴) بینات، شماره ۲، ص ۱۴۸-۱۵۱

(۵) مجتبی‌ی. سید جلال‌الدین: القرآن‌الحکیم،

انتشارات حکمت، ۱۳۷۱

(۶) بینات، شماره ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷

(۷) پژوهشهای قرآنی، شماره ۱، ص ۳۰۵-۳۱۰

توضیح می‌دهد.^۴

وی برای رسیدن به ترجمه‌ای واحد از قرآن، استفاده از زبان دری و ترجمه‌های کهن و اصیل قرآن کریم را پیشنهاد می‌کند. وی بر خلاف اکثر مترجمان معتقد است حذف‌های موجود در بیان قرآن که خود از شیوه‌های بلاغت است نه در متن که باید در پاورقی بیاید. وی دلایل خود را چنین ارائه می‌دهد:

الف- تعدد اقوال مفسران در تعیین کلمه یا عبارت محذوف و احتمال اشتباه در گزینش راجح

ب - این که این شیوه بیان قرآن کریم است که اگر درست با همان سیاق و لحن به پارسی در آید در بسیاری جاها می‌توان دریافت کلام محذوف را به عهده خواننده نهاد و در عین حال در پاورقی اشاره‌ای نمود. حذف، خود از شیوه سخن گفتن است، تغییر در شیوه بیان خدا چرا؟

به هر حال این مطلب یکی از نکات بسیار مثبتی است که در این ترجمه به آن توجه شده است.

۲۰- ترجمه سید جلال‌الدین

مجتبی‌ی (چاپ اول: ۱۳۷۱ ه.ش)

این ترجمه که از ترجمه‌های مقبول است از ویراستاری حسین استاد ولی برخوردار بوده و توسط انتشارات حکمت به چاپ رسیده است.

مترجم در مقدمه‌ای تحت عنوان نکات شایان ذکر به پنج مورد اشاره می‌کند از جمله:

الف- در این ترجمه تا آنجا که ممکن و میسر بوده است از کلمات فارسی استفاده کرده‌ایم که این مقتضای ترجمه

ج - مسعود مهدوی نیز در مجله پژوهشهای قرآنی^۱ در مقاله "ورودی بر معانی القرآن" نواقص این ترجمه را دسته بندی کرده و چنین ارائه داده است:

۱- آمیختگی ترجمه با تفسیر

۲- اشتباهات و تسامحهای تفسیری

۳- ارائه مطالبی موهم و نظریاتی

تجسیمی و خلاف اعتقادات

۴- خلط کلام خدا با خلق

۵- تعبیرهای موهن و بیگانه

۶- ترجمه‌های مبهم و نارسا و چه بسا

نادرست.

۷- ترجمه‌های بدون مدرک و استناد

(اعمال سلیقه)

۸- کاستیهای ویرایش و نگارش

۹- نامگذاری سوره‌ها

به عنوان مثال مترجم در ترجمه و تفسیر آیه ۷۳ سوره بقره آورده است: "از این رو گفتیم یکی از رگهای گردن گاو را به رگهای قلب مقتولتان پیوند زنید تا لحظاتی زنده شود و قاتل را معرفی نماید."^۲ خرمشاهی می‌نویسد: "بعید است در هیچ منبعی حتی در منابع اسرائیلیات، تعبیر پیوند رگ قلب به کار رفته باشد."^۳

۱۹- ترجمه ابوالقاسم امامی (چاپ

اول: ۱۳۷۰ ه.ش)

چاپ اول این ترجمه توسط انتشارات "نگار" با کاغذ گلاسه سنگین، تذهیب، جلد فاخر و جعبه‌ای زیبا منتشر شده و به دلیل گرانی از دسترس مردم دور است.

مترجم در مصاحبه‌ای با مجله بینات دیدگاههای خود در این ترجمه و نکاتی را که در ویرایش دوم مورد نظر بوده است،

الف- گاه تا حدودی ترجمه تحت اللفظی انجام شده است.^۱
 ب- افراط در فارسی سازی عبارات
 ج- کاستیهای ویراستی
 د- بکارگیری کلمات مهجور در نگارش مثل زودا، همانا، هرآینه.^۲

۲۱- ترجمه کاظم پورجوادی (چاپ اول: ۱۳۷۲ هـ ش)

ویرایش این ترجمه به عهده بهاءالدین خرمشاهی سپس مصطفی حسینی طباطبایی بوده است. مترجم در مقدمه چنین می نویسد: "بیشتر تلاش من این بود که در حد توان و بضاعت معلومات، طوری به انتخاب برابر نهادهای فارسی بپردازم که حداقل کلمات و واژه‌های دخیل را به کار برم و گمان می‌کنم نسبتاً موفق بوده‌ام."^۳

وی در مجله بینات ضمن معرفی ترجمه خود بیان می‌کند که برای درک بهتر قرآن به بیشتر کشورهای عرب زبان سفر کرده است و در هر کشوری مدتی برای آشنایی با لهجه‌ها و تحولات زبان عربی ماندگار شده و تا حد امکان و توان شروع و تفاسیر مختلف قرآن را مطالعه کرده است. آنگاه می‌افزاید: با چنین اندوخته‌ای کار ترجمه قرآن را طوری آغاز کردم که همیشه آرزو داشتم و با خود می‌گفتم که کاش ترجمه‌ای از قرآن به زبان فارسی وجود می‌داشت تا اگر فارسی زبان آن را بخواند همان چیزی را درک کند که یک عرب زبسان از قرائت قرآن درک می‌کند.^۴ آقای خرمشاهی راجع به این ترجمه

می‌نویسد: "این ترجمه یکی از روانترین خوشخوانترین ترجمه‌های عصر جدید است. اما میزان دقت علمی و مطابقتش با نص مقدس قرآن به اندازه روانی و خوشخوانی اش نیست."^۵

۲۲- ترجمه احمد کاویانپور (چاپ اول: ۱۳۷۲ هـ ش)

ترجمه آیات در صفحات روبروی مصحف به چاپ رسیده و لغات مشکل در پاورقی توضیح داده شده است. مترجم در مقدمه می‌نویسد: "در این اثر سعی وافر شده است که معانی کلمات، بسیار دقیق و صحیح انتخاب شود و با بیانی رسا قابل استفاده همگان بویژه نسل جوان قرار گیرد."^۶ آیت‌الله سید محمد حیدری مطالعه و بررسی نهایی ترجمه را به عهده داشته است.

۲۳- ترجمه محمد مهدی فولادوند (چاپ اول: ۱۳۷۳ هـ ش)

مترجم راجع به این ترجمه چنین می‌نویسد: در این ترجمه فشرده و (متکی به خود) ما به عنایت الهی کوشیده‌ایم که با حداقل توضیحات بین الهالین معانی بلند کتاب آسمانی را باز نماییم و ضماین و حروف مؤکده و مقدره را نادیده و تا حد ممکن از آن متن مقدس فاصله نگیریم و احیاناً اگر مقتضی موجود و مانع مفقود بود، نوعی وزن عروضی را در انعکاس پاره‌ای از آیات مکسی چاشنی ترجمه کنیم؛ نظیر "آنگاه که خورشید به هم پیچید" در سوره "تکویر" یا "نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه" در آغاز

سوره قمر و...^۷ این ترجمه به مدت سه سال زیر نظر هیأتی از فضیلات حوزه علمیه قم با مراجعه مداوم به تفاسیر معتبر و ترجمه‌های کهن فارسی، ویرایش شده است.

۱) آقای مجتبی در مقاله‌ای تحت عنوان سخنی چند درباره ترجمه قرآن کریم بحثی کوتاه راجع به ترجمه تحت اللفظی دارد. وی نوشته است: برخی این معنا را گسترش داده‌اند و پنداشته‌اند باید مفهومی که از الفاظ و عبارات می‌فهمند به جای ترجمه بیاورند مثلاً امثال، مجازات و استعارات را به معانی مورد نظر خودشان بازگردانند (بینات شماره ۷، ص ۱۳۹-۱۳۸) شاید این مواردی را که ناقل از نسخ ترجمه تحت اللفظی خوانده است از همین دست باشد.

۲) مترجم می‌نویسد: اینکه نوده مردم یعنی عوام الناس کلماتی را به کار می‌برند یا نمی‌برند دلیل نمی‌شود که ما هم در ترجمه فصیح‌ترین کتاب به کار نبریم، چرا به جای آنکه نوشتار و گفتار خود را در سطح سخنان عوام و نوده مردم پایین بیاوریم نوده مردم را از لحاظ دانش و فرهنگ بالا نبریم. (بینات، شماره ۶، ص ۱۲۳)

۳) قرآن مجید، ترجمه پورجوادی- کاظم، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۲، پایان ترجمه (۴) بینات، شماره ۲، ص ۱۵۲-۱۵۳

۵) قرآن کریم ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه‌ها، ص ۶۲۴

۶) کاویانپور- احمد: قرآن مجید با ترجمه فارسی، انتشارات اقبال، ۱۳۷۲، مقدمه

۷) فولادوند - محمد مهدی: ترجمه قرآن مجید، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳، پایان ترجمه

ترجمه نوشته است که در دو شماره نه و یازده بینات به چاپ رسیده است؛ برخی از اشکالاتی که وی بر شمرده است عبارتند از:

- الف- برخی موارد ترجمه نشده
ب- اشکالات نحوی و ساختاری
ج- تفاوت و تضاد در ترجمه عبارت‌ها، ترکیب‌ها و آیه‌های مشابه در اشکالات لغوی و صرفی

جواب نقد:

محمد ربانی، پس از انتشار نخستین قسمت نقد کریمی نیا، به آن پاسخ داده است که قسمتی از پاسخ‌هایش چندان عالمانه به نظر نمی‌رسد. وی به چند اصل و ضابطه در این ترجمه اشاره می‌کند و بدین ترتیب یکجا به همه ایرادها پاسخ می‌گوید.^۶ کریمی نیا دوباره به این جوابیه پاسخ می‌گوید.^۷

۲۵- ترجمه بهاء الدین خرمشاهی

(چاپ اول: ۱۳۷۴ هـ ش)

چاپ اول این ترجمه در قطع رحلی توسط انتشارات نیلوفر به انجام رسیده است. ۶۰۴ صفحه از این اثر به متن قرآن، ترجمه و توضیحات اختصاص دارد و هر

- (۱) همان منبع
(۲) خرمشاهی - بهاء الدین: همان منبع، ص آخر
(۳) بینات، شماره ۱۰، ص ۱۱۸-۱۲۵
(۴) بینات، شماره ۶، ص ۱۲۰-۱۲۲
(۵) قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی- ناصر، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۴ پایان ترجمه
(۶) بینات شماره ۱۰، ص ۱۵۷-۱۶۳
(۷) بینات شماره ۱۱، ص ۱۶۰-۱۶۳

معانی و مفاهیم آیات و عبارات قرآن مجید با ترجمه این جانب یکی است و فرقی ندارد.^۴

۲۴- ترجمه ناصر مکارم شیرازی

(چاپ اول: ۱۳۷۳ هـ ش)

این ترجمه در اصل از ترجمه‌ای گرفته شده که در تفسیر نمونه آمده و محصول پانزده سال کار روی تفسیر قرآن مجید است. تحقیق و بررسی این اثر را هیأت علمی دارالقرآن الکریم انجام داده‌اند و ویراستاری آن بر عهده جواد محدثی بوده است.

مترجم در پایان اثر، تحت عنوان سخنی پیرامون ترجمه، ابتدا توضیحاتی راجع به انواع ترجمه دارد، آنگاه ترجمه خود را از نوع ترجمه محتوا به محتوا معرفی می‌کند. بنابر تعریف وی در این نوع ترجمه نخست باید معانی دقیقاً از لباس زبان اول برهنه شود و در مغز جای گیرد، سپس دقیقاً به لباس زبان دوم آراسته گردد.

وی همچنین ترجمه خود را از نوع ترجمه به زبان روزمره توده مردم می‌داند و می‌نویسد به همین دلیل در بسیاری از موارد الفاظ عربی که آمیخته با زبان فارسی شده و جزئی از آن گردیده و کاملاً مأنوس است به جای واژه‌های فارسی سره نامأنوس نشسته است زیرا هدف لسان قوم بوده است که قرآن بر آن تأکید دارد نه لسان ادبای قوم و مقصود اصل هماهنگی است نه ارائه یک معنای ادیبانه.^۵

نقد و نظر:

مرتضی کریمی نیا، نقدی بر این

آقایان بهاء الدین خرمشاهی، کامران فانی، مهدی محقق، محمدعلی مهدوی راد، و مصطفی ملکیان در تأیید این ترجمه نوشته‌اند: از حیث امانت، مطابقت با اصل در ایجاز و اطناب و تأکید و به‌کارگیری معادلهای مصطلح در فارسی امروزی و در عین حال پرهیز از زبان روزمره، روشنی و گویایی، روانی و شیوایی، سادگی و صلابت، رعایت ریزه‌کاریهای ادبی و بلاغی و دخالت ندادن عنصر تفسیر در ترجمه در میان ترجمه‌هایی که در پنجاه سال اخیر از این کتاب آسمانی عرضه و منتشر گشته، بهترین است.^۱

نقد و نظر:

الف- بهاء الدین خرمشاهی در قرآن پژوهی مقاله‌ای را به این اثر اختصاص داده و پس از تمجید فراوان از این ترجمه می‌نویسد: "بنده تاکنون ترجمه‌ای که تا این حد دقیق و در عین حال خوشخوان و غیر تحت اللفظی باشد ندیده‌ام."^۲

ب- محمد علی سلطانی مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی به ترجمه سوره حمد و بقره در ترجمه استاد فولادوند" نگاشته است و سی و چهار مورد نقض را برشمرده است.

ج- مسعود انصاری نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی به ترجمه قرآن کریم از استاد محمد علی فولادوند" به بیست نکته انتقادی اشاره کرده و یادآوری می‌کند که یادداشتهای انتقادی از سوره بقره این ترجمه بیش از صد مورد بوده است.^۳

آقای مجتبی در ضمن مقاله‌ای چنین نوشته است: "بیشتر این ترجمه از لحاظ

صفحه‌ای از این بخش بدینگونه است: یک چهارم صفحه در سمت راست، متن قرآن با خط عثمان طه و یک چهارم صفحه در سمت چپ ترجمه روان آیات و نیمه باقیمانده از هر صفحه به توضیحات (تفسیر مختصر) آیات اختصاص دارد. در صفحات ۶۰۴ تا ۶۱۶، علامات و وقف دعای ختم قرآن، فهرست نامهای دیگر و غیر رسمی بعضی از سوره‌ها، فهرست سوره‌ها بر حسب نزول، فهرست سوره‌های قرآنی به ترتیب مصحف و فهرست سوره‌ها به ترتیب الفبایی آمده است. از صفحه ۶۱۶ تا آخر، این مطالب عنوان شده است: گفتار مترجم، قرآن و قرآن پژوهشی، تحریف ناپذیری قرآن، فهم قرآن با قرآن، کلمات فارسی در قرآن مجید، واژه‌نامه، فهرست توضیحات، فهرست احادیث و اخبار و کتابنامه.

وی به اصول رعایت شده در ترجمه اشاره کرده است که خلاصه‌ای از آن آورده می‌شود:

الف- اصل اول این بود که در این ترجمه در وهله اول در پی افزایش دقت و صحت باشم بطوری که هیچ کلمه یا تعبیر و یا حتی حرف قرآنی نباشد که معادلی در ترجمه نداشته باشد.

ب- از نثر معیار و متعارف امروز برای ترجمه استفاده کنم.

ج- حفظ برخی از کلمات و عبارات و تعبیرات قرآنی عیناً در ترجمه که شاید از دوست لغت هم فراتر رود؛ لغاتی مثل اسلام (دین اسلام)، ایمان، مؤمن، کتاب و...

د- حفظ صیغه و ساختار کلمات در

ترجمه تا حد امکان.

ه- کلمه واحد به شرط آنکه در سراسر قرآن معنای واحدی داشته باشد در ترجمه برای آن معادل واحد آمده و در سراسر ترجمه حفظ و تکرار شده است. و - استفاده کردن از عنصر تفسیری به حداقل بوده است.^۱

توضیحات ذیل صفحه‌ها در همه فنون و علوم است؛ لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی، تفسیری، مربوط به اسباب نزول، ناسخ و منسوخ، تاریخی، جغرافیایی، فقهی، کلامی و توضیح قرآن به قرآن و اینها همه در جهت روشن کردن ابهامات و اشارات بود که و در مجموع چهار هزار نکته ذکر گردیده است. لازم به تذکر است که ویراستاران علمی این اثر، مسعود انصاری و مرتضی کرباسی بوده‌اند.

نقد و نظر:

از اوایل سال ۷۵، روزنامه سلام قسمتی از صفحه معارف روزهای پنج‌شنبه خود را به این ترجمه اختصاص داده بود که در آن مباحث تندی بین هوشنگ گلشیری به عنوان ناقد و بهاء‌الدین خرمشاهی مطرح می‌شد. نویسندگان دیگری چون علی موسوی گرمارودی، کامران فانی، ایرج امیرضیایی، منوچهر کدیور و محسن مظاهری و... در این بحث حضور داشتند و اکثراً به طرفداری از این ترجمه می‌پرداختند.

محمد علی رضایی نیز مقاله‌ای تحت عنوان نقدی بر ترجمه جدید خرمشاهی نوشته است.^۲

محمد حسین روحانی، در مقاله‌ای

تحت عنوان بازبینی یک حقیقت باشکوه از امتیازات و ویژگیهای این ترجمه سخن گفته است. وی می‌نویسد: "به نظر من باید این اثر را نه یک ترجمه بلکه یک تفسیر نمونه‌وار (typical) برای افراد کم فرصت و نیازمند به سخنان مختصر و مفید جامعه امروزی بویژه عامه روشنفکران به‌شمار آورد."^۳

* ترجمه‌های منسوب به محمود

اشرفی تبریزی و ابوالحسن شعرانی:

الف- قرآنی‌هایی منتشر شده است که در شناسنامه آخر آن محمود اشرفی تبریزی به عنوان مترجم و خطاط معرفی شده است. یکی از ناشرین این ترجمه سازمان انتشارات جاویدان است. این ترجمه سطر به سطر و کلمه به کلمه و تحت‌اللفظی است و عیناً با ترجمه عباس مصباح‌زاده یکی است. اما اشرفی تبریزی تنها خطاط ترجمه مصباح‌زاده بوده است و این اشتباه از آن شناسنامه‌ای ناشی شده است که دارالقرآن الکریم ارائه داده است.

ب- قرآنی‌های مترجمی نیز توسط کتابخانه اسلامی به چاپ رسیده است که آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی به عنوان مترجم آن معرفی شده است. اما استاد ارجمند، شیخ علی اکبر غفاری که افتخار شاگردی علامه شعرانی را داشته‌اند، فرمودند: آقای شعرانی "ترجمه‌ای از قرآن نداشته‌اند و تنها مصحح متن قرآنی بوده‌اند که توسط کتابفروشی اسلامی منتشر شده است.

(۱) قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه.

(۲) پژوهشهای قرآنی، شماره ۶۵، ص ۴۰۵، ۳۹۲.

(۳) بینات، شماره ۱۱، ص ۱۵۵.